



با فارسی زیبا می‌شووی!

گفت‌وگو با اسماعیل آذر
استاد ادبیات فارسی

شاید داستانش را شنیده باشی؛ داستان زبان فارسی را که قرن‌ها دوام آورد و امروز به ما رسید؛ تا بدانیم ایرانی هستیم و بخش مهمی از هویتمان به حفظ این زبان بستگی دارد. با ما همراه شو تا داستان این زبان شیرین را از زبان آقای اسماعیل آذر بشنویم.

از نظر شما ادبیات یعنی چه و

چرا برای منِ نوجوان مهم است؟

ادبیات مهم است؛ چون از درون ما شکل می‌گیرد و سرشار از عاطفه و حس و معرفت انسانی است. ما ایرانی‌ها صاحب ادبیاتی هستیم که قدمتش بیش از تاریخی است که مدون‌شده و امروزه ما با عنوان تاریخ ادبیات ایران مطالعه‌اش می‌کنیم. از سوی دیگر، شاید کمتر کشوری مثل ایران باشد که در آن شعر با زندگی مردم تا این اندازه آمیخته شده باشد. ادبیات میراث معنوی ما ایرانیان و جزء جدانشدنی از ما و زندگی‌مان است.

آیا این ادبیات غنی برای منِ نوجوان هم قابل درک و

برداشت است؟ چطور می‌شود که من هم از آن بهره ببرم؟

شما تصور کن می‌خواهی بروی هندوانه بخری، هرچقدر هم که کم‌تجربه باشی، کافی است یکبار در زندگی هندوانه شیرین و قرمز را چشیده باشی، همین‌قدر کافی است که مشتری باشی و وقتی می‌روی برای خرید، پی هندوانه شیرین هستی. نوجوان ما هرچقدر هم در خصوص ادبیات کم‌تجربه باشد، به هر حال شیرینی زبانی را که با آن به دنیا آمده و قد کشیده چشیده است. هر کلام شیرین برای او به درد بخور و ماندگار است؛ چون این ادبیات روح و عظمتی دارد که بعد از هزاران سال وزن گرفته و برای ما باقی مانده است.

چطور است که گاهی همین ادبیات شیرین برای منِ نوجوان سنگین

و گس می‌شود و نمی‌توانم به خوبی با آن ارتباط برقرار کنم؟

ما بین خودمان و ادبیات نیازمند یک واسطه هستیم؛ واسطه‌ای که برایمان از ادبیات بگوید. اینکه چه کسی این را بگوید و چگونه بگوید و چطور، مهم است. اگر این واسطه بداند که چه را انتخاب کند و این انتخاب را چطوری طرح کند و حتی در کجا، در طعمی که ما از ادبیات به خاطر خواهیم داشت، مؤثر است. اگر این واسطه درست عمل کند حتماً ادبیات برای منِ نوجوان هم شیرین خواهد بود، حتی آن قسمت‌های دشوار و سختش.

این واسط باید چه ویژگی‌های داشته باشد؟

مهم این است که این واسط بین منِ نوجوان و ادبیات کسی باشد که عاشق ادبیات و صاحب پشتوانه است. اگر شما تنورتان داغ نباشد، نان به آن نمی‌چسبید. وقتی نوجوان با واسطه یک روان خوش و آرام که به ادبیات مسلط و آشناست، به این زبان غنی پیوند بخورد، اول حالش خوش می‌شود، بعد کلامش و سر آخر اخلاقش زینت می‌گیرد.

به نظر شما مطالعه آثار بزرگان زبان و ادبیات

گذشته کشورمان چه کمکی به امروز ما می‌کند؟

الان اگر از شما بپرسم دروغ خوب است یا بد، شما به من پاسخ خواهید داد که بد است. این حرف را هفتصد سال پیش هم سعدی گفته است: «گر راست بگویی و تو در بند بمانی / به از آن که دروغت دهد از بند رهایی». این نشان می‌دهد که سخن و حکمت کهنه و نو ندارد.

به هر حال، تغییرات دنیا بسیار بوده و به اصطلاح دنیا مدرن

شده است. شاید ما نوجوانان تصور کنیم که ادبیات گذشته

به کار امروز ما نمی‌آید، این را چطور می‌بینید؟

بله، ما با مدرن شدن دنیا و مفاهیم مواجه هستیم. لازم است آن واسطی که گفتم، آن معلم ادبیاتی که می‌خواهد نوجوانان را با زبان فارسی و شیرینی‌هایش آشنا کند، با این مفاهیم و نوشتن هم آشنا باشد. این مدرن شدنی که می‌گویید از یک طرف برای ما خوب بود و منفعت‌هایی داشته، اما خسارت‌هایی هم به بار آورده و ضررهایی به ما زده است. این وظیفه ادبیات است که بفهماند غیر از این سود و زیان‌ها در این عالم چیزهای دیگری هم هست که به درد ما می‌خورد.

می‌دانیم که بخش مهمی از هویت و ایرانی بودن ما

وابسته به زبان فارسی است. برای ما بگویید که این زبان

چه کارهایی برای حفظ هویت ما کرده است؟

شعر فارسی و ادبیات ایرانی جوهره‌ای دارد که وقتی شما نوعی که ممکن است زبان‌تان هم فارسی نباشد و با آن آشنا شوید، حالتان عوض می‌شود و روح‌تان را تنظیم می‌کند. به همین دلیل، وقتی آندره دوریه‌ای در سال ۱۶۴۳ گلستان سعدی را به زبان فرانسوی ترجمه کرد، این ترجمه روی اروپا سایه انداخت. در ۱۸۸۷ میلادی، شخصی رئیس‌جمهور فرانسه شد که نامش سعدی کارنو بود.

پدربزرگ سعدی کارنو به قدری به گلستان علاقه‌مند بوده است که نام فرزند نخستینش را سعدی گذاشت. تاریخ ما پر است از حکایت‌هایی که بزرگی و عظمت زبان فارسی را روایت می‌کند. به همین دلیل است که بزرگ‌ترین شخصیت‌های ما توصیه کرده‌اند که مواظب زبان فارسی باشیم. اگر بیگانگان دست انداختند به زبانی، همه چیز ما را مصادره خواهند کرد.